

کتاب یوئیل و کلیسای ادونتیست روز هفتم لائودکیه — شماره بیست

Jeff Pippenger

2025-12-26

نمبر بیس

کتاب یوئیل تصریح می‌کند که ویرانی تاکستان خدا در نسل چهارم رخ می‌دهد.

کلام خداوند که بر یوئیل بن فتوئیل نازل شد.

این را بشنوید، ای پیران، و گوش فرا دهید، ای جمیع ساکنان زمین. آیا در روزگار شما چنین چیزی واقع شده است، یا حتی در ایام پدرانتان؟ این را به فرزندان خود بازگویید، و فرزندانان به فرزندان خویش بگویند، و فرزندان ایشان به نسل دیگر.

آنچه ملخ نوبرانه باقی گذاشت، ملخ مهاجم خورد؛ و آنچه ملخ مهاجم باقی گذاشت، کرم برگ‌خوار خورد؛ و آنچه کرم برگ‌خوار باقی گذاشت، کرم خزنده خورد.

بیدار شوید، ای مستان، و بگریید؛ و ای همه می‌نوشندگان شراب، زاری کنید، به سبب شراب تازه؛ زیرا از دهان شما بریده شده است. یوئیل ۱:۵-۵.

تمثیل ده باکره، تمثیل آدونتیسم است، و بیداری مذکور در تمثیل در زمانی رخ می‌دهد که گندم و کاه هرزه از یکدیگر جدا می‌شوند؛ در آن هنگام، کاه هرزه به این واقعیت بیدار می‌شود که از «شراب تازه» «منقطع» شده است. واژه «منقطع» نمایانگر نخستین گام عهدی ابرام است، جایی که در آیین تثبیت عهد با خون، یک تلیسه، یک بز ماده و یک قوچ به دو پاره بریده شدند. در همان بخش مربوط به عهد، خدا تصریح می‌کند که در نسل چهارم، قوم خود را در داوری تفقد خواهد کرد.

Y le dijo a Abram: Ten por cierto que tu descendencia será extranjera en tierra ajena, y servirá a sus moradores; y será afligida por ellos durante cuatrocientos años. Mas también a la nación a la cual servirán juzgaré yo; y después de esto saldrán con gran riqueza. Y tú irás a tus padres en paz; serás sepultado en buena vejez. Pero en la cuarta generación volverán acá, porque aún no ha llegado a su colmo la maldad de los amorreos. Génesis 15:13–16

हुई चुनी उसकी और परमेश्वर ने प्रभु तब, हुई पूरी, में पीढ़ी की मूसा अर्थात, में पीढ़ी चौथी भवषियवाणी वह जब में आज्ञा दूसरी से में वधिनो दस उन की। प्रस्तुत आज्ञाएँ दस में रूप के प्रतीक के वाचा साथ के प्रजा गया। कयिा प्रखर भी और प्रकाश का पीढ़ियो चार की अब्राम

تو برای خود هیچ صورت تراشیده، و هیچ مثالی از آنچه در آسمان بالا است، یا از آنچه در زمین پایین است، یا از آنچه در آب‌های زیر زمین است، مساز. نزد آنها سجده مکن و آنها را عبادت منما؛ زیرا من، یهوه خدای تو، خدای غیور هستم، که گناه پدران را بر فرزندان تا پشت سوم و چهارم آنان که از من نفرت دارند، می‌رسانم؛ و بر هزاران نسل از آنان که مرا محبت می‌نمایند و احکام مرا نگاه می‌دارند، رحمت می‌کنم. خروج 20:4-6.

چهار نسل عهد ابرام در بزرگ‌نمایی سیرت خدا به‌عنوان خدایی غیور مندرج گردیده بود. غیرت او در تقابل با تمثال‌های تراشیده قرار داده شده است. در نسل چهارم ابرام، همچنین با داوری‌ای تدریجی

روبهرو می‌شویم. این داوری هم بر آن قومی بود که قوم خدا در آن به بندگی گرفتار بودند، و هم بر قوم خدا، و پس از آن، اموریان نیز داوری می‌شدند. ابرام فرایندی تدریجی از داوری را مشخص می‌سازد که از خانه خدا آغاز می‌شود و به گونه‌ای پیشرونده از خلال جهان پیش می‌رود؛ و فرمان دوم نیز نشان می‌دهد که فرایند داوری، نوع بشر را به دو طبقه تقسیم می‌کند: طبقه‌ای از آنان که از خدا نفرت دارند، و طبقه‌ای از آنان که خدا را محبت می‌نمایند؛ و بدین‌سان، به‌طور نمادین به قانون یکشنبه اشاره دارد که با صدای بلند اعلام می‌کند: «اگر مرا محبت می‌کنید، احکام مرا نگاه دارید.»

در همان دوره‌ای که شریعت در سینا عطا می‌شود، شخصیت خدا به موسی نشان داده می‌شود.

و خداوند به موسی گفت: «برای خود دو لوح سنگی مانند نخستین بتراش؛ و من بر این لوح‌ها کلماتی را خواهم نوشت که بر لوح‌های نخستین بود، همان‌ها که تو شکستی. و بامدادان آماده باش، و صبحگاهان به کوه سینا برآی، و در آنجا بر فراز کوه خود را نزد من حاضر ساز. و هیچ‌کس با تو بالا نیاید، و نیز هیچ‌کس در تمامی کوه دیده نشود؛ و حتی گله‌ها و رمه‌ها نیز در برابر آن کوه نچرند.»

او دو لوح سنگی مانند نخستین تراشید؛ و موسی بامدادان زود برخاست و به کوه سینا بالا رفت، چنان‌که خداوند او را امر فرموده بود، و آن دو لوح سنگی را در دست خود گرفت. و خداوند در ابر نازل شد و در آنجا با او ایستاد و نام خداوند را ندا درداد. و خداوند از پیش روی او گذشت و ندا کرد،

خداوند، یهوه خدا، رحیم و کریم، دیرخشم و کثیر در احسان و راستی؛ که رحمت را برای هزاران نگاه می‌دارد، و گناه و عصیان و خطا را می‌آمرزد؛ و هرگز گناهکار را بی‌سزا نخواهد گذاشت؛ و گناه پدران را بر فرزندان و بر فرزندان فرزندان تا نسل سوم و چهارم می‌رساند.

و موسی شتابان سر خود را به سوی زمین فرود آورد و سجده کرد. و گفت: «اکنون اگر در نظر تو فیض یافته‌ام، ای خداوند، تمنا دارم که خداوند در میان ما سیر فرماید؛ زیرا این قوم، قومی گردن‌کش‌اند؛ و گناه ما و خطای ما را بیامرز، و ما را میراث خویش بپذیر.» خروج ۳۴:۹-۱۰.

شریعت کا دوسرا عطا کیا جانا 1850 کے پائینر چارٹ کے ساتھ مطابقت رکھتا ہے۔ پہلی لوحیں توڑ دی گئی تھیں، اور پہلی لوح میں اعداد و شمار میں ایک خطا تھی۔ اُس وقت قدیم اسرائیل کو شریعت کا امین بنایا گیا، اور جدید اسرائیل کو خدا کی شریعت اور خدا کے نبوتی کلام کی شریعتوں کا امین بنایا گیا۔ جب پہلی بار دونوں لوحیں پیش کی گئیں تو لشکرگاہ میں لفظی بغاوت موجود تھی، اور جب 1850 کا چارٹ پیش کیا گیا تو لشکرگاہ میں روحانی بغاوت پنپ رہی تھی۔ ابرام کی چوتھی پشت کی نبوت موسی کے وسیلہ سے چوتھی پشت میں پوری ہوئی، جہاں خدا نے دوسری فرمان میں چوتھی پشت کے اندر عدالت کے مکاشفہ کو وسعت دی۔ تراشی ہوئی مورتیں خدا کی سچی پرستش کے مقابل ایک جعلی قائم ہو گئیں، اور خدا کے کردار کی غیرت عدالت کے ساتھ وابستہ کر دی گئی۔ پھر موسی نے خدا کا جلال دیکھا۔ اُس نے خدا کی غیرت کو خدا کے کردار کے ایک جزو کے طور پر دیکھا، جیسا کہ اُس کے "نام" سے ظاہر کیا گیا ہے، اور پرستار کے اپنی باپ دادا کے گناہوں کے ساتھ تعلق کو بیان کیا گیا ہے۔

ہنگامی کہ مسیح برای نخستین بار ہیکل را تطہیر کرد، آنگاہ شاگردان به یاد آوردند کہ غیرت خانہ او وی را خورده است. «غیرت» همان واژہ «حسادت» است. آن صفت خدا کہ حسادت او را بیان می‌کند، انگیزہ‌ای بود کہ مسیح را به تطہیر ہیکل خود برانگیخت، و ویژگی نبوی ضرورت اعتراف به گناہان پدران، بعدہا به عنصری اساسی در دعوت به توبہ در داوری «ہفت زمان» لاویان بیست و شش بدل شد. «نسل چہارم» ابرام، در امتداد تاریخ عہد، وزن و اہمیت فزاینده‌ای می‌یابد. کتاب یوئیل نمایانگر زمان باران آخر است، کہ در ایام آخر رخ می‌دهد. کتاب یوئیل پیام خود را بر پایہ معرفی پیام چہار نسل بنا می‌نہد، بہ عنوان همان مضمونی کہ در نخستین گام از عہد سہ گانہ ابرام با خدا ثبت شدہ بود. آن

مضمون در کتاب یوئیل به فرجام خود می‌رسد.

یک بار که در سرزمین موعود استقرار یافتند، تابوت عهد در شیلو قرار داشت؛ جایی که عیلی کاهن اعظم شریر و نابخرد و دو پسر فاسد او، در تقابل با دعوت سموئیل قرار می‌گیرند. شیلو به یکی از مراحل سفر تابوت بدل شد؛ همان نماد عهد. پس از آنکه از تابوت به عنوان نماد فرو ریختن دیوارهای آریحا استفاده شد، نزدیک به چهارصد سال در شیلو قرار داشت، تا زمان مرگ عیلی و پسران شریر او. سپس فلسطینیان آن را به اسارت گرفتند، و پس از آن، هنگامی که داود تابوت را به اورشلیم منتقل کرد، نخستین تصویر ورود ظفرمندان به اورشلیم تحقق یافت. هدف تصریح شده از انتقال این نماد عهد به اورشلیم این بود که خدا برگزید نام خود را در اورشلیم قرار دهد، و نام او با غیرت او مرتبط است، و غیرت او با دآوری غیورانه او در نسل چهارم پیوند دارد.

در هنگام قانون یکشنبه، خداوند کلیسای ظافر را بر فراز همه تپه‌ها و کوه‌ها برخواهد افراشت، و امت‌ها خواهند گفت: «بیایید تا به خانه خدا برویم.»

اور ایام آخر می‌یون هوگا که خداوند کے گھر کا پہاڑ پہاڑوں کی چوٹی پر قائم کیا جائے گا، اور ٹیلوں سے بلند ہوگا؛ اور سب قومیں اس کی طرف بہتی چلی آئیں گی۔ اور بہت سی امتیں جائیں گی اور کہیں گی، اُو، ہم خداوند کے پہاڑ پر، یعنی یعقوب کے خدا کے گھر کو چڑھ چلیں؛ اور وہ ہمیں اپنی راہوں کی تعلیم دے گا، اور ہم اُس کے راستوں پر چلیں گے؛ کیونکہ شریعت صیون سے صادر ہوگی، اور خداوند کا کلام یروشلم سے۔ یسعیاہ 2:3، 3.

کلام خداوند از اورشلیم صادر می‌شود، زیرا او همان‌جا را برگزید تا «نام» خویش را در آنجا قرار دهد. نزد موسی، «خداوند در ابر نازل شد و با وی در آنجا ایستاد و نام خداوند را اعلام کرد. و خداوند از پیش روی او عبور کرده، ندا درداد،

خداوند، یهوه خدا، رحیم و کریم، دیرغضب و کثیر در احسان و راستی، که رحمت را برای هزاران نگاه می‌دارد، و گناه و تقصیر و خطا را می‌آمرزد، و گناهکار را هرگز بی‌سزا نمی‌گذارد؛ و عقوبت گناه پدران را بر فرزندان و بر فرزندان فرزندان ایشان تا پشت سوم و چهارم می‌رساند. خروج 34:7، 7.

نام او همان شخصیت اوست، و شخصیت خدا به غایت پیچیده و درعین حال به غایت ساده است. خدا محبت است؛ این، بیان ساده شخصیت کامل اوست. حقیقت عهد ابرام درباره «نسل چهارم دآوری» با نور افزوده فرمان دوم درباره نسل چهارم، «حکم بر حکم» بسط داده شد. سپس تجربه موسی، با افزودن نور غیرت او، نور پیوند نسل چهارم با شخصیت خدا را گسترش می‌دهد. الهام، شخصیت را «ترکیب افکار و احساسات» تعریف کرده است، اما الهام همچنین به ما آگاهانیده است که افکار ما مانند افکار خدا نیست. شخصیت او، ترکیب افکار و احساسات اوست، و شخصیت او چنان وجوه بی‌شماری فراتر از افکار و احساسات ساده انسانی ما دارد که تفاوت چنین است که افکار او نسبت به افکار ما، همان قدر برتر از آسمان نسبت به زمین است.

زیرا افکار من افکار شما نیست، و طریق‌های شما طریق‌های من نیست، خداوند می‌فرماید. زیرا همچنان که آسمان‌ها از زمین بلندتر است، همچنین طریق‌های من از طریق‌های شما بلندتر است، و افکار من از افکار شما. اشعیا 55:8، 9.

پس، اینک اندیشه‌ای انسانی برای تأمل: اگر ذات خدا به وسیله نام او نمایان می‌شود، آنگاه هر تجلی نام خدا، تجلی ذات اوست. شیر سبط یهودا کلام نبوی خود را مهر می‌نهد و مهرگشایی می‌کند؛ پلمونی، شمارنده شگفت اسرار است، که همچنین آن ریشه از زمین خشک، و نیز بوته سوزان، ستونی از آتش، میکائیل رئیس فرشتگان، و همچنان و همچنان است. صفات ذات خدا، آن گونه که به وسیله

نام‌های گوناگون او نمایان می‌شوند، پایان‌ناپذیرند. «اندیشهٔ انسانی برای تأمل» این است: با وجود همهٔ جلوه‌های گوناگون ذات خدا که دانسته شده وجود دارند، چه اهمیتی دارد که در همان نخستین گام عہدی فرایند سه‌گانه عہد با ابرام، «داوری نسل چهارم» بیان بنیادین عہد است که نام او را باز می‌تاباند؟

اور اُس نے ابرام سے کہا، یقین جان کہ تیری نسل اُس ملک میں پردیسی ہوگی جو اُن کا نہیں، اور وہ اُن کی خدمت کریں گے؛ اور وہ اُنہیں چار سو برس تک دکھ دیں گے۔ اور اُس قوم کو بھی، جس کی وہ خدمت کریں گے، میں سزا دوں گا؛ اور اُس کے بعد وہ بڑے مال کے ساتھ نکل آئیں گے۔ اور تو اپنے باپ دادا کے پاس سلامتی سے جائے گا؛ تو اچھی بڑھاپے میں دفن کیا جائے گا۔ لیکن چوتھی پشت میں وہ پھر یہاں آئیں گے، کیونکہ اموریوں کی بدکرداری ابھی تک بھر نہیں گئی۔ پیدائش 15:13-16.

شخصیت خدا به عنوان داور انسان‌ها و ملت‌ها، برای انسان‌ها دوره‌ای از آزمایش را مقرر می‌دارد که به صورت چهار نسل به تصویر کشیده شده است. خدا داور است؛ او رحیم است؛ او بردبار است؛ و داوری انسان‌ها و ملت‌ها را در نسل چهارم به فرجام می‌رساند. بیان بنیادین خدا در عہد او با قومی برگزیده، داوری نسل چهارم را نیز دربر می‌گیرد. همان‌گونه که پیام فرشته اول همه ویژگی‌های هر یک از پیام‌های سه فرشته منفرد را در خود دارد، همچنین گام نخست عہد ابرام نیز ویژگی‌های تمام عہد سه‌گانه را در خود دارد. نام خدا این است که او داور رحیم است که در نسل چهارم داوری می‌کند. هر گام دیگر در تاریخ عہد یک قوم برگزیده، بر آن بنیاد بنا می‌شود.

هنگامی که کتاب یوئیل در آیه پنج در بیداری فریاد نیمه‌شب قرار داده می‌شود، و «شراب تازه» از دهان ایشان «منقطع» می‌گردد، درآمد آن جدایی نهایی عہدی یک قوم برگزیده عہد، همان پیام بنیادی عہد است که طغیان قوم عہد را تبیین می‌کند؛ قومی که سپس در نسل چهارم، چون امری به انجام رسیده، «منقطع» می‌شوند. ایشان «منقطع» می‌شوند، زیرا پیام بنیادی عہد را در نمی‌یابند. آن پیام بنیادی عہد در چهار آیه فصل پانزدهم پیدایش، معیار سنجش است—خط داوری‌ای که هنگامی به کار می‌رود که پیام سنگ سر عہد در ایام آخر به عنوان «شراب تازه» عرضه می‌گردد. ثقل و وخامتی که با بیدار شدن مستان افرایم، آنگاه که «شراب تازه» «منقطع» می‌شود، پیوند دارد، تنها زمانی به راستی درک می‌شود—که در چارچوب اعلام داوری علیه نسل چهارم نهایی قومی برگزیده اما عاصی، در خلال دورهٔ آزمون باران آخر، قرار داده شود.

در پیدایش هفده، گام دوم عہد سه‌گانه با ابراهیم را می‌یابیم:

و خدا به ابراهیم گفت: پس تو عہد مرا نگاه خواهی داشت، تو و نسل تو بعد از تو در نسل‌های ایشان. این است عہد من که آن را نگاه خواهید داشت، در میان من و شما و نسل تو بعد از تو؛

تمہارے درمیان ہر لڑکے کا ختنہ کیا جائے۔ اور تم اپنی پوستِ ختنہ کا گوشت ختنہ کرو گے؛ اور یہ میرے اور تمہارے درمیان عہد کی علامت ہوگا۔ اور تم میں سے ہر لڑکا جو آٹھ دن کا ہو، تمہاری نسلوں میں ختنہ کیا جائے، خواہ وہ گھر میں پیدا ہوا ہو یا کسی اجنبی سے روپیہ دے کر خریدا گیا ہو، جو تیری نسل سے نہ ہو۔ جو تیرے گھر میں پیدا ہوا ہو اور جو تیرے روپیہ سے خریدا گیا ہو، ان دونوں کا ختنہ ضرور کیا جائے؛ اور میرا عہد تمہارے جسم میں ابدی عہد کے لیے ہوگا۔ اور وہ نامختون لڑکا جس کی پوستِ ختنہ کا گوشت مختون نہ کیا گیا ہو، وہ جان اپنے لوگوں میں سے کاٹ ڈالی جائے گی؛ کیونکہ اس نے میرے عہد کو توڑا ہے۔ پیدایش 9:17-14.

گام دوم، شہادی دوم بر نماد «منقطع شدن» فراہم می‌آورد. واژہ‌ای کہ به «منقطع شدن» ترجمہ شده است، ریشہ خود را در حیواناتی می‌یابد کہ ابرام در فصل پانزدهم به دو نیم برید؛ و در آن

passage، هر کس که مختون نشود، از عهد «منقطع» خواهد شد. در تاریخ عهد، ختنه با تعمید جایگزین شد، آنجا که مسیح همین حقایق را تأیید می‌کرد؛ و از این رو او، به عنوان نمونه ما، در روز هشتم قیام کرد.

آن نشان می‌بایست در روز هشتم به انجام رسد، چنان که به وسیله هشت جان در کشتی نمایان شده است. در گام دوم است که آزمون دیداری بازنمایی می‌شود؛ خواه اسرائیل باشد که پیش از داوری‌ای که به دست ایلیا اجرا شد، میان انبیای ایزابل و ایلیا انتخاب می‌کرد، و خواه دانیال، شدرك، میشخ و عبدنغو باشند که سیمای ایشان از آنان که از خوراک پادشاه می‌خوردند، نیکوتر و فربه‌تر ظاهر شد؛ آزمون دوم دیداری است. ختنه نشانه حیات است، و آن هشت جان بر کشتی، نمایانگر کسانی‌اند که در تقابل با آنان که مردند، زنده ماندند.

در تاریخ مسیح، آنگاه که نشان عهد به تعمید انتقال یافت، رسول پولس از همان تاریخ عهد مذکور در این آیات بهره گرفت تا آن دگرگونی عظیم در تاریخ عهد را آشکار سازد. او از گوستی که در ختنه بریده می‌شود استفاده کرد، هم به عنوان نمادی از انسان در نسبت با الوهیت، و هم به عنوان نمادی از طبیعت فروتر انسان در نسبت با طبیعت برتر او. پولس شاگردان خود را با به کارگیری کلام نبوی خدا تعلیم داد، و مقصود او به عنوان «آن که برگزیده شد» (چنان که نام شاول او بدان معناست) این بود که آن دگرگونی بزرگ در تاریخ عهد را که در گذار از اسرائیل ظاهری به اسرائیل روحانی به مثابه قوم عهد خدا نمود یافته است، مشخص سازد. او در انجام کار محول خویش، پیام نبوی خود را در چارچوب تاریخ عهد عرضه کرد.

پیدایش هفده، گام دوم از سه گام بنیادی عهد را نمایندگی می‌کند؛ گام‌هایی که کمال اومگایی خود را در سه فرشته مکاشفه چهارده می‌یابند. گام دوم با نشان ختنه represented می‌شود که مهر خدا را بر صد و چهل و چهار هزار تن نمادپردازی می‌کند؛ آنان که علم‌اند، و این نمایانگر آزمون دیداری است. سه فرشته، اومگای عهد آلفای ابراهیم‌اند. گام سوم برای ابراهیم، فصل بیست و دو بود.

اور خداوند کے فرشتے نے آسمان سے دوسری بار ابراہیم کو پکار کر کہا، خداوند فرماتا ہے: میں نے اپنی ذات کی قسم کھائی ہے کہ چونکہ تو نے یہ کام کیا اور اپنے بیٹے، اپنے اکلوتے بیٹے کو دریغ نہ کیا، اس لیے میں یقیناً تجھے برکت دوں گا، اور تیری نسل کو یقیناً بڑھاؤں گا، یہاں تک کہ وہ آسمان کے ستاروں اور سمندر کے کنارے کی ریت کی مانند ہو جائے؛ اور تیری نسل اپنے دشمنوں کے پھاٹک پر قبضہ کرے گی؛ اور تیری نسل کے وسیلہ سے زمین کی سب قومیں برکت پائیں گی، کیونکہ تو نے میری آواز کی فرمانبرداری کی۔ پیدایش 15:22-18.

آیه نخست این فصل می‌گوید: «و واقع شد بعد از این وقایع، که خدا ابراهیم را امتحان کرد، و بدو گفت: ابراهیم! و او گفت: اینک من حاضر هستم.» خدا ابراهیم را امتحان کرد، و بدین سان آزمونی نهایی را پیش از سومین اعلام عهد مشخص ساخت. هنگامی که ابراهیم از این آزمون سرافراز بیرون آمد، آنگاه چهار آیه پایانی عهد سه‌گانه ابراهیم بیان شد. چون ابراهیم از آواز خدا «اطاعت» کرد، که در این عبارت همان «آواز عهد» اوست، ابراهیم به عنوان پدر امت‌ها برکت می‌یافت. فرشته سوم یک آزمون است که، همچون ابراهیم، نمایانگر آزمونی است که منش را آشکار می‌سازد، و منش بر این مبتنی است که آیا مانند ابراهیم خدا را باور می‌کنی یا نه. آنان که از این آزمون، چنان که ابراهیم گذشت، کامیاب بیرون آیند، برای گرد آوردن همه امت‌های جهان به کار گرفته خواهند شد. آن هفده آیه، از سه فصل، عهد میان خدا و قومی برگزیده را مشخص می‌سازد؛ و بدین گونه، الف تاریخ عهد یک قوم برگزیده را نمایندگی می‌کند، و نیز بدین گونه، همان آیات، امگای تاریخ عهد را نیز نمایندگی می‌کنند، آن گونه که در برانگیخته شدن صد و چهل و چهار هزار نمود می‌یابد.

کتنے ہم میں سے ایسے ہوں گے جو کسی گھر یا گاڑی کو خریدنے سے پہلے معاہدے کی شرائط کا جائزہ نہ لیں؟ لاوڈیکہ کے سیونٹھ ڈے ایڈونٹسٹوں میں سے کتنے جانتے ہیں کہ خدا کے ساتھ اُن کے عہدی معاہدے کی بالکل پہلی شرط یہ ہے کہ خدا اپنی پہچان اس طور پر کراتا ہے کہ وہ رحیم خدا ہے جو چوتھی پشت تک عدالت کرتا ہے؟ المیہ یہ ہے کہ وہ نہ تو میلرائٹ تاریخ کی بنیادی سچائیوں کو جانتے ہیں، نہ ہی اپنے اقراری عہدی تعلق کی بنیادی سچائیوں کو؛ اور اسی سبب وہ، قدیم اسرائیل کی مانند، اپنی موعودہ تفقد کے وقت کو نہیں پہچانتے۔ اُس زمانہ تفقد کا اختتام، جو 9/11 سے شروع ہوا، اُس وقت ہوتا ہے جب وہ آدھی رات کو بیدار کیے جاتے ہیں، مگر صرف یہ جاننے کے لیے کہ وہ کاٹ ڈالے گئے ہیں۔

ما در مقالہ بعدی ادامه خواهیم داد.

«در ۱۸ آوریل، دو روز پس از آن کہ صحنہ فرو ریختن ساختمان‌ها از برابر چشمانم گذشتہ بود، برای انجام قرار ملاقاتی در کلیسای کار استریت، لس‌آنجلس، رفتم. ہنگامی کہ بہ کلیسا نزدیک می‌شدیم، صدای پسران روزنامہ فروش را شنیدیم کہ فریاد می‌زدند: «سان فرانسسکو بر اثر زلزلہ ویران شد!» با دلی سنگین، نخستین اخبار شتاب زدہ چاپ شدہ درباره آن فاجعہ هولناک را خواندم.»

«دو ہفتے بعد، اپنے وطن واپسی کے سفر میں، ہم سان فرانسسکو سے گزرے اور ایک بگھی کرائے پر لے کر اُس عظیم شہر میں ہوئی تباہی کا مشاہدہ کرنے میں ڈیڑھ گھنٹہ صرف کیا۔ وہ عمارتیں بھی، جنہیں آفت کے مقابلہ میں محفوظ سمجھا جاتا تھا، کھنڈرات کی صورت میں پڑی تھیں۔ بعض صورتوں میں عمارتیں جزوی طور پر زمین میں دھنس گئی تھیں۔ یہ شہر انسانی ذہانت کی اس بے بسی کی نہایت ہولناک تصویر پیش کر رہا تھا کہ وہ آگ سے محفوظ اور زلزلہ سے محفوظ ڈھانچے تعمیر کر سکے۔»

«خداوند بہ واسطہ نبی خود، صفنیا، داوری‌هایی را کہ بر بدکاران وارد خواہد آورد، بہ صراحت معین می‌سازد: "بہ کلی ہمہ چیز را از روی زمین ہلاک خواہم کرد، خداوند می‌گوید. انسان و حیوان را ہلاک خواہم کرد؛ پرندگان آسمان و ماہیان دریا را، و سنگ‌های لغزش را با شیران نابود خواہم ساخت؛ و انسان را از روی زمین منقطع خواہم کرد، خداوند می‌گوید."»

«و در روز قربانی خداوند واقع خواہد شد کہ من امیران و پسران پادشاہ و ہمہ آنان را کہ بہ لباس بیگانہ ملبس‌اند، مجازات خواہم کرد. ہمچنین در ہمان روز، ہمہ کسانی را کہ بر آستانہ می‌جہند و خانہ‌های سروران خویش را از ظلم و فریب انباشتہ می‌سازند، مجازات خواہم کرد....»

«و در آن زمان واقع خواہد شد کہ اورشلیم را با چراغ‌ها تفتیش خواہم کرد، و مردانی را کہ بر درِ خویش آرام گرفتہ‌اند مجازات خواہم نمود؛ آنان کہ در دل خود می‌گویند: خداوند نہ نیکی خواہد کرد و نہ بدی. بنابراین، اموال ایشان بہ غنیمت مبدل خواہد شد، و خانہ‌هایشان بہ ویرانی؛ خانہ‌ها نیز بنا خواہند کرد، اما در آنها ساکن نخواہند شد؛ و تاکستان‌ها غرس خواہند نمود، اما شراب آنها را نخواہند نوشید.»

«روز عظیم خداوند نزدیک است، نزدیک است و بہ شتاب بسیار می‌آید؛ حتی آواز روز خداوند: مرد زورآور در آنجا بہ تلخی فریاد خواہد کرد. آن روز، روز غضب است، روز تنگی و اضطراب، روز ویرانی و خرابی، روز تاریکی و تیرگی، روز ابرہا و ظلمت غلیظ، روز کرنا و بانگ جنگ بر ضدِ شہرهای حصاردار و بر ضدِ برج‌های بلند. و بر آدمیان تنگی خواہم آورد، بہ گونه‌ای کہ چون کوران راہ خواہند رفت، زیرا بہ خداوند گناہ ورزیدہ‌اند؛ و خون ایشان چون غبار ریختہ خواہد شد، و گوشت ایشان مانند سرگین. نہ نقرہ‌شان و نہ طلایشان خواہد توانست ایشان را در روز غضب خداوند برہاند؛ بلکہ تمامی زمین بہ آتش غیرت او بلعیدہ خواہد شد، زیرا او بہ ناگاہ نابودی ہمہ ساکنان زمین را پدید خواہد آورد.» صفنیا 1:2, 3, 8-18

«خدا دیگر نمی‌تواند برای مدتی بسیار طولانی‌تر درنگ کند. هم‌اکنون داورهای او در برخی مکان‌ها آغاز به فرود آمدن کرده است، و به‌زودی ناخشنودی آشکار او در مکان‌های دیگر نیز احساس خواهد شد.»

«سلسله‌ای از رویدادها رخ خواهد داد که آشکار می‌سازد خداوند حاکم اوضاع است. حقیقت با زبانی روشن و بی‌ابهام اعلام خواهد شد. ما به‌عنوان یک قوم، باید راه خداوند را تحت هدایت مسلط روح‌القدس مهیا سازیم. انجیل باید در خلوص خود عرضه شود. نهر آب حیات باید در مسیر خود ژرف‌تر و گسترده‌تر گردد. در همه میدان‌ها، نزدیک و دور، مردان از پشت گاوآهن و از مشاغل رایج‌تر بازرگانی که تا حد زیادی ذهن را به خود مشغول می‌دارند، فراخوانده خواهند شد و در پیوند با مردان باتجربه تعلیم خواهند یافت. هنگامی که بیاموزند چگونه به‌گونه‌ای مؤثر کار کنند، حقیقت را با قدرت اعلام خواهند کرد. به‌واسطه شگفت‌انگیزترین کارکردهای عنایت الهی، کوه‌های دشواری از میان برداشته شده و به دریا افکنده خواهند شد. پیامی که برای ساکنان زمین چنین اهمیت عظیمی دارد، شنیده و فهمیده خواهد شد. مردمان خواهند دانست که حقیقت چیست. کار، پیوسته رو به پیش و باز هم رو به پیش، پیش خواهد رفت تا آنکه تمامی زمین انداز شده باشد، و آنگاه پایان فرا خواهد رسید.»

«روزبه‌روز بیش از پیش آشکار می‌گردد که داورهای خدا در جهان جاری است. او در آتش و سیل و زلزله، ساکنان این زمین را از نزدیک بودن ظهور خویش هشدار می‌دهد. زمانی نزدیک می‌شود که بحران عظیم در تاریخ جهان فرا رسیده باشد؛ هنگامی که هر حرکت در حکومت خدا با علاقه‌ای شدید و بیمی وصف‌ناپذیر زیر نظر گرفته خواهد شد. داورهای خدا با شتاب، یکی پس از دیگری، در پی هم خواهند آمد—آتش و سیل و زلزله، همراه با جنگ و خونریزی.»

«کاش قوم زمان تفقد خود را می‌دانستند! بسیاری هستند که هنوز حقیقت آزمون‌کننده این زمان را نشنیده‌اند. بسیاری هستند که روح خدا با آنان در کشاکش است. زمان داورهای هلاک‌کننده خدا، برای آنان که فرصتی نیافته‌اند تا بدانند حقیقت چیست، زمان رحمت است. خداوند با شفقت بر ایشان نظر خواهد افکند. دل رحمت او به تأثر می‌آید؛ و دست او هنوز برای نجات دراز است، حال آن‌که در بر روی آنان که نخواستند داخل شوند بسته شده است.»

«رحمت خداوند در بردباری دیرپای او آشکار می‌شود. او داورهای خود را بازمی‌دارد و انتظار می‌کشد تا پیام هشدار به همه اعلام گردد. آه، اگر قوم ما آن‌گونه که باید، مسئولیتی را که بر عهده دارند برای رساندن آخرین پیام رحمت به جهان احساس می‌کردند، چه کار شگفت‌انگیزی به انجام می‌رسید!» Testimonies, volume 9, 94–97.